گزارش یک

مهسا گربندی

گزارش «جوان» از توییت‌های هوشمندانه قالیباف که فضاسازی‌های جالبی به راه می‌اندازد

عظمت، موگا یا مگا؟!

در دنیای سیاست و جنگ‌های رسانه‌ای امروز، گاه یک توییت کنایه‌آمیز و به موقع، بیشتر از سخنرانی‌ها تأثیرگذار می‌شود. توییتی که تنها محدود به چند کلمه است، اما اگر حساب‌شده و شسته‌رفته باشد، می‌تواند توجه افکار عمومی را به خود جلب کند. این شبیه به همان کاری است که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، از آغاز جنگ تحمیلی رمضان تا به امروز، بارها و بارها انجام داده و با توییت‌های تند و صریح خود، به سیاست‌های دروغین و جنگ‌افروزی‌های امریکا و رژیم صهیونیستی، تاخته است. او اخیراً نیز یک توییتی را منتشر کرده که سروصدایش در رسانه‌های جهان و دنیای مجازی پیچیده است. قالیباف حرفش را به شکلی نو، بیان کرده و خطاب به مردم امریکا سؤال پرسیده که دقیقاً سران کشورشان به دنبال چه عظمتی هستند، وقتی با جنگ‌طلبی همه چیز را رو به تباهی و نابودی می‌کشانند.

محمدباقر قالیباف که در فضای مجازی، فعال و یکی از چهره‌های برجسته نقدهای سیاسی است، این روزها توییت‌هایش در روزهای جنگ تحمیلی سوم بیشتر از همیشه مورد توجه قرار گرفته‌است؛ توییت‌هایی که واکنش‌های زیادی را به دنبال دارند و بحث‌برانگیز می‌شوند، اما توییت اخیر او، تفاوت زیادی با بقیه داشت. این‌بار او، پیامی را مستقیم به مردم امریکا نوشت و به شیوه‌ای تیز و متفاوت، سیاست‌های سران این کشور را به چالش کشید.

■ عظمت از دست رفته امریکا

«چرا جنگ‌افروزی می‌کنید تا امریکا را دوباره با عظمت کنید؟» این سؤالی است که قالیباف در توییت خود مطرح کرده‌است. رئیس مجلس در این توییت، به‌طور غیرمستقیم به یکی از شعارهای معروف سیاستمداران امریکایی، یعنی «امریکا را دوباره با عظمت می‌کنیم»، اشاره کرده و با زبانی هوشمندانه و البته با کمی تمسخر، درباره سیاست‌های جنگ‌طلبانه و بحران‌های اقتصادی این کشور صحبت کرده‌است.

قالیباف در نظرسنجی‌ای که منتشر کرد، این‌گونه نوشت: سران شما جنگ‌افروزی می‌کنند که چه چیزی را در امریکا با عظمت کنند؟

۱ - تورم (میگا)

۲ - ناتوان در بازپرداخت هزینه‌ها (موگا)

۳ - الیگارش‌ها (مُگا)

۴ - اپستین‌سالاری‌ها (مگا)

این توییت که در ظاهر فقط چند کلمه بیشتر نیست، در عمق خود سؤالات و چالش‌های بزرگی را مطرح می‌کند. گزینه‌هایی که قالیباف در سؤال خود آورده، هر کدام به نوعی به بحران‌هایی اشاره دارند که امریکا با آنها دست و پنجه نرم می‌کند: «اول، تورم؛ دوم، ناتوانی در بازپرداخت هزینه‌ها؛ سوم، الیگارش‌ها و چهارم، اپستین‌سالاری.» بی‌تردید این موارد، هر کدام شبیه به تیرهایی به سمت سیاست‌های پرتنش و غیرانسانی امریکا پرتاب می‌شوند و در دل خود هزاران پیام پنهان دارند.

■ از الیگارش‌ها تا اپستین‌سالاری

وقتی قالیباف از «الیگارش‌ها» صحبت می‌کند، منظورش همان افرادی هستند که در دنیا و به ویژه در امریکا، قدرت و ثروت زیادی دارند و تصمیمات مهم اقتصادی و سیاسی را به دست خود می‌گیرند. این افراد به عنوان یک اقلیت قدرتمند در یک کشور، به‌راحتی می‌توانند زندگی میلیون‌ها نفر را تحت‌تأثیر قرار دهند. با افزایش شکاف‌های اقتصادی در امریکا و نابرابری‌های موجود، بسیاری از مردم احساس می‌کنند که قدرت واقعی در دست عده‌ای خاص است که هیچ‌گاه تصمیماتشان به نفع اکثریت مردم نیست. قالیباف با اشاره به این «الیگارش‌ها»، به وضعیتی انتقاد می‌کند که در آن، ثروتمندان و قدرتمندان کنترل همه چیز را در دست دارند و صدای مردم عادی هرگز شنیده نمی‌شود.

اما نکته مهم‌تر توییت قالیباف، اشاره به «اپستین‌سالاری» است. این اصطلاح به فساد پیچیده و گسترده‌ای در لایه‌های بالای قدرت امریکا اشاره دارد. جفری اپستین، میلیاردر امریکایی، متهم به سوءاستفاده و فساد در سطح جهانی بود. او روابط زیادی با افراد قدرتمند داشت که نهایتاً به رسوایی‌های بزرگی منجر شد. با اشاره به «اپستین‌سالاری»، قالیباف می‌خواهد بگوید که در امریکا و سطح جهانی، افرادی هستند که با پول و روابط پنهانی خود می‌توانند سیاست‌ها و تصمیمات را به نفع خود تغییر دهند. این فساد حتی به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین امریکا نیز مربوط می‌شود. مدارک و اسناد منتشر شده نشان می‌دهند که ترامپ و اپستین در گذشته روابط نزدیکی داشتند و در برخی از سفرهای اپستین حضور داشته‌اند. این نشان می‌دهد که فساد و روابط غیرقانونی به حدی گسترده است که حتی سیاستمداران بزرگ نیز درگیر آن هستند.

■ دور باطل جنگ‌های بی‌پایان

در حالی که امریکا همچنان درگیر جنگ‌های بی‌پایان در نقاط مختلف جهان است، اقتصاد این کشور نیز به طرز نگران‌کننده‌ای در حال فروپاشی است. سیاست‌های جنگ‌افروزانه، به ویژه در خاورمیانه، علاوه بر هزینه‌های سنگین مالی، به بحران‌های اجتماعی داخلی امریکا دامن زده‌است. قالیباف در توییت خود به این موضوع اشاره کرده که سیاست‌های جنگ‌طلبانه امریکا نه‌تنها منجر به کاهش اعتبار جهانی این کشور شده، بلکه بر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی داخلی آن نیز افزوده است و در این دور باطل که امریکا در آن گرفتار است، هنوز چاره‌ای برای خروج از این وضعیت به چشم نمی‌آید.

شاید برای همین باشد که در نظرسنجی‌ها بارها و بارها اکثریت مردم امریکا اعلام کرده‌اند که مخالف جنگ با ایران هستند. بسیاری از مردم حتی ترامپ را به خاطر سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش مورد انتقاد قرار داده‌اند. با وجود این، ترامپ همچنان بر سر جنگی که خود هم می‌داند پایان خوشی برایش ندارد، می‌دمد و معلوم نیست چه زمانی حقیقتی را که برای همگان عیان است، می‌پذیرد! پرواضح است که مردم امریکا و حتی برخی از سیاستمداران، بیشتر از هر زمان دیگری به پایان دادن به این جنگ‌ها و بحران‌های مرتبط با آن، نیاز دارند، اما آیا قدرت‌های حاکم در این کشور آماده‌هستند که چنین تصمیمی بگیرند؟!

گزارش ۲

مصطفی محمد

گفت و گوی «جوان» با محمد فنائی اشکوری فلسفه پژوه

فلسفه از تئوری تا عمل باید در خدمت انسانیت و عدالت باشد

اشکوری: متأسفانه در داخل کشور، عده‌ای از دانشگاهیان و کسانی که خود را فیلسوف می‌دانند، در برابر تمام این جنایات سکوت اختیار کرده و قتل هزاران بیگناه را نادیده گرفته‌اند. این افراد دم از اخلاق، انسانیت و حقوق بشر می‌زنند، اما در مقابل نقض صریح و کشتار فجیع کودکان معصوم مانند آنچه در میناب رخ داد، سکوت می‌کنند

در دنیایی که گاه صدای حقیقت در هیاهوی قدرت‌ها گم می‌شود، فراخوانی از سوی «مجمع عالی حکمت اسلامی» به فیلسوفان و اندیشمندان سراسر جهان از اهمیتی حیاتی برخوردار است. این فراخوان، پاسخی است به وجدان‌های خفته در برابر فجایع جنگی تحمیلی که با هدف ویرانی، تجزیه و غارت بر ملت ایران روا داشته شده‌است. این نامه، تلنگری است به اندیشمندانی که رسالت‌شان روشنگری و دفاع از حقیقت است، تا در بزنگاهی حساس، سکوت را شکسته و صدای دادخواهی سر دهند. این مقدمه، چارچوبی کلی برای درک چرایی، چگونگی و اهمیت این فراخوان جهانی ارائه می‌دهد. «جوان» در این رابطه با یکی از فلسفه‌دانان گفت‌وگو کرده است.

به گزارش «جوان»، محمد فنائی اشکوری فلسفه‌پژوه درباره رسالت فلسفه و فیلسوفان در دورانی مانند ایام جنگ تحمیلی رمضان گفت: در پی جنایات جنگی که توسط رژیم جنایتکار امریکا و رژیم جعلی و کودک‌کش اسرائیل در جنگ رمضان اتفاق افتاد، مجمع عالی حکمت اسلامی نامه‌ای را خطاب به فیلسوفان و اندیشمندان جهان نوشته و ارسال کرده‌است.

وی اشاره به وظایف فلسفه در شرایط جنگی گفت: از گذشته‌های دور فلسفه را به دو بعد نظری و عملی تقسیم می‌کردند، فلسفه نظری یا حکمت نظری وظیفه کشف حقیقت و فهم آنچه هست و آنچه نیست، اما حکمت عملی وظیفه‌اش کشف تکلیف انسان و آنچه بایسته است و آنچه نبایسته است و دنبال تحقق خیر و کاستن از شر و رنج است، فلسفه یا حکمت عملی به دنبال این است که چه رفتاری درسته و چه رفتاری نادرست است.

اشکوری بیان کرد: فلسفه به مفاهیمی مانند عدالت، ظلم، خیر، شر، رنج، خشونت، جنگ، صلح، کرامت انسان، حقوق بشر و اخلاق می‌پردازد. هدف از طرح این مباحث صرفاً تعریف واژه‌ها یا حفظ کردن آنها در کتاب‌ها و کلاس‌های درس نیست، بلکه غایت آن تلاش برای تحقق خیر در جهان، کاهش شر و رنج، رعایت حقوق بشر، پاسداشت کرامت انسانی، برقراری عدالت و از میان برداشتن ظلم است.

وی ادامه داد: هدف از شناخت این مفاهیم و ارزش‌ها، تحقق ارزش‌های مثبت و نفی ارزش‌های منفی است. بنابراین، غایت فلسفه، تلاش برای تحقق خیر، کاستن از رنج، حفظ کرامت و حقوق انسان، استقرار اخلاق و عدالت و در مقابل، نفی ظلم و ستم است. این رویکرد در نهایت به انسان کمک می‌کند تا زندگی درست و سعادتمندانه‌ای در این دنیا داشته باشد.

اشکوری با بیان اینکه فیلسوف نمی‌تواند نسبت به وقایع جهان بی‌تفاوت باشد، همانطور که علم بدون عمل، پوچ و بی‌ارزش است، بیان کرد: فیلسوفان بزرگ تاریخ، از سقراط تا کانت، همواره در پی اصلاح جامعه بوده‌اند و پیام اصلی آنها این بود که «انسان غایت است، نه ابزار» ما نباید از انسان به عنوان ابزاری برای منافع خود استفاده کنیم. حفظ کرامت انسانی مستلزم آن است که انسان را غایت بدانیم و حقوق او را محترم بشماریم.

این فلسفه‌پژوه با اشاره به اینکه انسان شیء نیست، گفت: در حالی که ما از اشیا به عنوان ابزار استفاده می‌کنیم. هرگاه از انسان به عنوان یک شیء استفاده شود و چنین تلقی‌ای از او حاصل گردد، انسانیت نابود شده‌است. انسان برخوردار از کرامت است و این کرامت باید مورد احترام قرار گیرد. اینها خطوط کلی آن چیزی است که فلسفه به انسان می‌آموزد و فیلسوف باید پاسدار آنها باشد. کار فلسفه، شناخت و کشف حقیقت، خیر و تکلیف است و در مقابل، شر. وظیفه فیلسوف، پاسداشت عقلانیت است، چراکه خشم، درندگی، جنایت و تجاوز با عقلانیت ناسازگارند. انسان تنها زمانی «انسان» است که در چارچوب عقلانیت رفتار کند. کار فیلسوف، فهم، کشف و دفاع از عقلانیت است. فیلسوفان در طول تاریخ همواره از اخلاق بحث کرده‌اند.

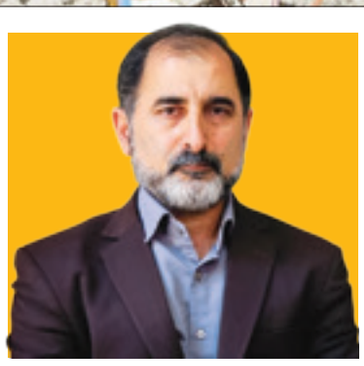

وی با بیان اینکه فیلسوف بزرگ‌ترین وظیفه فیلسوف، پاسداشت اخلاق، حفظ کرامت و حقوق انسان است، اظهار داشت: فیلسوف باید چهره پنهان شر و جنایت را آشکار سازد.

جنایتکاران تاریخ، اعمال زشت خود را توجیه می‌کنند و بدترین جنایات را در قالب مفاهیم مثبت و مقبول جلوه می‌دهند؛ تجاوز می‌کنند، اشغال می‌کنند و ادعا می‌کنند که برای آزادی دیگران، ایجاد دموکراسی، دفاع از حقوق بشر یا مبارزه با تروریسم می‌جنگند. وظیفه فیلسوف این است که پرده نفاق را از چهره کریه این افراد کنار بزند و تجاوز، نقض حقوق بشر و نقض کرامت انسانی را روشن و تبیین کند.

اشکوری ادامه داد: فیلسوف باید افکار و اعمال شرارت‌آمیز را نقد کند. زورگویانی که برای منافع نامشروع خود به دیگران تجاوز می‌کنند و مرتکب ظلم و جنایت می‌شوند، باید توسط فیلسوف مورد نقد قرار گیرند، رسوا شوند، آگاهی‌بخشی صورت گیرد و با آنها مقابله شود. این وظیفه اخلاقی و انسانی فیلسوف است، نه یک فعالیت سیاسی به نفع یک جناح، جریان یا ملت خاص. سقراط برای پاسداشت فضیلت، جام شوکران را نوشید. فیلسوف، تنها در صورتی فیلسوف است که حامی فضیلت، اخلاق و حقوق انسان باشد و با ظلم، جنایت، قتل، تجاوز و آدمکشی مخالفت کند. در غیر این صورت، علم، دانش و تفکر او بی‌فایده و بی‌ارزش است. علم باید به عمل منتهی شود و نتیجه آن در جهت خیر انسان و به سود بشریت باشد.

وی گفت: در این جنگ تحمیلی، ناعادلانه و غیرقانونی، دشمنان امریکایی و صهیونیستی مرتکب انواع جنایات جنگی شده‌اند؛ از جمله حمله به دانشگاه‌ها، تخریب آزمایشگاه‌ها و مراکز علمی، حمله به مدارس، کشتن دانشمندان، قتل عام دانش‌آموزان و کودکان معصوم (بیش از ۲۵۰ دانش‌آموز در این جنگ به شهادت رسیده‌اند)، کشتن معلمان، حمله به کتابخانه‌ها، آثار باستانی، مراکز درمانی، خانه‌های مسکونی و زیرساخت‌ها (آب، پل، گاز، نفت، پالایشگاه‌ها) و جنایات بی‌شمار دیگر. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا فیلسوفان و اندیشمندان در برابر اینگونه جنایات هیچ مسئولیتی ندارند و صرفاً باید تماشاچی باشند؟ متأسفانه، در داخل کشور، عده‌ای از دانشگاهیان و کسانی که خود را فیلسوف می‌دانند، در برابر تمام این جنایات سکوت اختیار کرده و قتل هزاران بیگناه را نادیده گرفته‌اند.

این افراد دم از اخلاق، انسانیت و حقوق بشر می‌زنند، اما در مقابل نقض صریح و کشتار فجیع کودکان معصوم مانند آنچه در میناب رخ داد، سکوت می‌کنند؛ همان‌هایی که برای مرگ مشکوک یک نفر، هیاهو کرده و جامه می‌درند. در مقابل این همه تجاوز به کشورشان، نابودی سرمایه‌های ملی و نقض بدیهی‌ترین حقوق انسانی توسط دشمن جنایتکار، سکوت اختیار کرده‌اند.

اشکوری بیان کرد: دشمنی که نه‌تنها به نظام جمهوری اسلامی حمله کرده، بلکه صراحتاً اعلام کرده که تمدن ایران باید نابود شود، ملت ایران را مورد توهین و تحقیر قرار داده و خواستار تجزیه ایران و غارت نفت آن شده‌است؛ در چنین شرایطی، افرادی که خود را متفکر، مدافع حقوق بشر و مدرس اخلاق می‌دانند، سکوت اختیار کرده‌اند؛ سکوتی که همراه با تأیید است. از سوی دیگر، در مقابل مرگ مشکوک یک نفر، چنان فریاد برآورده‌اند که نشان‌دهنده ریاکاری و عدم صداقت آنهاست. این جنگ، میدان آزمایشی است تا سره از ناسره جدا شود؛ «خوش بود گر محک تجربه آید به میان، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.»

این فلسفه‌پژوه در پایان گفت: رسانه‌های دنیا در دست استکبار و صهیونیسم است و آنها صحنه جنگ را به دلخواه خود برای جهانیان ترسیم و معرفی می‌کنند؛ صدای ما شنیده نمی‌شود. اینجاست که فیلسوفان جهان باید صدای بی‌صدایان باشند. اندیشمندان دنیا باید حقایق را ببینند و به مردم جهان اطلاع‌رسانی کنند، واکنش نشان دهند و دین خود را به انسانیت ادا نمایند. آنها باید درس‌هایی را که در فلسفه آموخته‌اند، در میدان عمل پیاده کنند. این بود فلسفه و علت نگارش این نامه و ارسال آن به فیلسوفان جهان.

قضائیه

سجاد آذری

محتکران منتظر چوبه دار باشند

در شرایطی که رئیس قوه قضائیه بر مجازات سنگین محتکران تأکید کرده «جوان» قوانین دیگر کشورها و سازوکارهای بین‌المللی در خصوص برخورد با این سودجویان را بررسی کرده‌است.

قاضی‌القضات از مجازات سنگین برای محتکران خبر داده است. این مجازات سنگین مستندات متعددی در قوانین داخلی و خارجی دارد.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه روز گذشته، در خصوص برخورد با عناصر محتکر و گرانفروش با بیان اینکه قطعاً به هیچ‌وجه قابل‌قبول نخواهد بود که کسانی بخواهند با هدف انتفاع مادی، از شرایط موجود، علیه معیشت مردم سوءاستفاده کنند خاطر نشان کرد: بدون تردید و به طور قطع، وفق قانون و در نهایت قاطعیت، با عناصر محتکر و گرانفروش، به ویژه در حوزه کالاهای اساسی و مایحتاج مردم، برخورد خواهد شد. رئیس عدلیه همچنین تأکید کرد: محتکران و گرانفروشان کالاهای اساسی منتظر برخورد قاطع و بدون مماشات عدلیه باشند. سوءاستفاده از شرایط موجود کشور علیه سفره مردم، خط قرمز ماست.

این هشدار جدی رئیس قوه قضائیه در حالی است که هر چند این روزها همدلی و حضور حماسی مردم در میدان را شاهد هستیم اما عده‌ای با سوءاستفاده از شرایط به دنبال این هستند که از فضای جنگی نهایت سودجویی را انجام دهند در این میان یکی از مواد، گران شدن کالاهای پلاستیکی یا وسایلی است که به شکلی به این ماده مرتبط هستند و صد البته مشخص است که در عصر حاضر پلاستیک بخش جدایی‌ناپذیر تمامی وسایل مورد استفاده انسان امروز است. این روزها اگر سری به بازار بزنید، خواهید شنید که قیمت مثلاً فلان وسیله یا حتی این کیسه پلاستیکی به دلیل بمباران برخی از پتروشیمی‌ها طی جنگ اخیر حتی چند برابر شده، آن هم در حالی است که حتی ممکن است پلاستیک بخش کوچکی از این کالاها را تشکیل دهد.

■ مجازات‌های سنگین احتکار از جریمه نقدی تا اعدام

متأسفانه سودجویان وطن‌فروش همواره در تاریخ ایران و جهان وجود داشته‌اند و به همین دلیل است که از قبل نیز در نظام‌های حقوقی به مسئله احتکار پرداخته شده‌است. هر چند در نظام اقتصادی ما احتکار در شرایط عادی جرم اقتصادی محسوب می‌شود، اما وقوع جنگ یا بحران‌های مشابه به عنوان عاملی برای تشدید مجازات این جرم در نظر گرفته شده و بر اساس قوانین مختلف، مجازات‌ها بسته به شرایط و قصد مجرم می‌تواند متفاوت باشد.

بر اساس قوانین عمومی مانند قانون تعزیرات حکومتی و نظام صنفی مجازات‌ها عمدتاً شامل الزام به عرضه و فروش فوری کالا، جریمه نقدی از ۵۰ تا ۷۰ درصد ارزش کالا در مرحله اول و تا پنج برابر در صورت تکرار و حتی محرومیت‌های صنفی مانند نصب پارچه به عنوان متخلف یا تعطیلی محل کسب است. البته بر اساس قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷ مجازات‌های شدیدتری برای احتکار کالاهای ضروری مانند مواد غذایی پیش‌بینی شده و طبق ماده ۲ این قانون، مجازات می‌تواند شامل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و جریمه نقدی معادل دو تا ۱۰ برابر بهای کالای احتکار شده باشد. با همه اینها بر اساس قانون اخلالگران در نظام اقتصادی اگر این احتکار با قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا ضربه زدن به نظام اقتصادی کشور انجام شود، این جرم از حالت تخلف صنفی خارج شده و تحت عنوان اخلال در نظام اقتصادی قابل پیگرد است. مجازات‌های این قانون بسیار سنگین است و می‌تواند شامل حبس از ۵ تا ۲۰ سال و در مواردی

که جرم در حد افساد فی‌الارض شناخته شود، حتی به اعدام نیز منجر شود. همچنین اگر مرتکب از مقامات دولتی باشد، مجازات‌ها سنگین‌تر خواهد بود. همچنین از منظر فقه اسلامی، احتکار حتی در شرایط عادی موجب اضرار به مسلمانان یا گرانفروشی باشد، حرام شمرده می‌شود.

■ نمونه‌هایی از دیگر کشورها

کشورهای دیگر هر کدام به شکلی با پدیده احتکاری برخورد کرده‌اند، در امریکا در خصوص احتکار قانون دفاع تولید، ۱۹۵۰ وجود دارد که اختیار قانونی اضطراری به رئیس‌جمهور می‌دهد تا در شرایط بحرانی تولید یا توزیع کالاهای کلیدی را اولویت‌بندی کند. طبق این قانون و مقررات تکمیلی، هر گونه احتکار یا گران‌فروشی غیرمعمول در شرایط اضطراری فدرال مجازاتی دارد. برای مثال، پرونده‌های عدیده‌ای وجود دارد که افراد در دوران همه‌گیری کرونا به جرم احتکار ماسک و لوازم پزشکی تحت این قانون محاکمه شدند. در یکی از این پرونده‌ها، متهم به دستور قضایی به حبس تا یک سال و جریمه تا ۱۰ هزار دلار محکوم شد، یعنی معمولاً این جرم به صورت شبه‌جرم تعقیب می‌شود.

در اروپا کشورهای این قاره قوانین و مقررات مشابهی برای دوره‌های اضطراری دارند. به عنوان مثال، در انگلیس در شرایط جنگی یا بحران، قانون اضطراری دفاع که سابقاً در زمان جنگ جهانی اجرای فراوان داشت و جرائم اقتصادی علیه منافع عمومی را شدیداً مجازات می‌کرد، برقرار است. امروز نیز تحت قوانین رقابت و مصرف، گرانفروشی یا انبارسازی عمده کالاهای ضروری در هنگام بحران بازار تخلف محسوب می‌شود و موجب پیگرد قانونی می‌شود، مجازات‌ها معمولاً شامل تا چند سال حبس و جریمه‌های مالی سنگین است. در حوزه اتحادیه اروپا، قواعد ضدانحصار و حمایت مصرف‌کنندگان، بحث احتکار را پوشش می‌دهند و کارتل‌ها یا برنامه‌های رانت بر کالاها در شرایط اضطراری ممنوع می‌کند. به عنوان نمونه، در فرانسه طبق مفاد قانون تعزیرات اقتصادی، سفته‌بازی بر کالاهای ضروری تعقیب کیفری می‌شوند و مجازات آنها تا پنج سال حبس و جریمه‌های ملی است، همچنین در آلمان نیز سفته‌بازی جنگی جرم است.

در کشورهای غیرغربی مانند چین، روسیه و دیگران در قانون مجازات خود، در فصل جرائم علیه امنیت ملی یا اقتصاد، احکام مشابه دارند. در چین، مسئولان بازار و تولید طی هر جنگ یا بحران اقتصادی موظف به امنیت غذایی کشور هستند؛ تخلفات گسترده‌ای مانند محتکر دانستن کالاهای مورد نیاز بخشی از جمعیت یا تعمداً انباشتن غذای کافی با هدف ایجاد کمبود، اغلب تحت عناوین اخلال در نظام اقتصادی یا حتی خائن پیگرد می‌شود و مجازاتشان ممکن است به زندان طویل‌المدت یا حتی اعدام بینجامد. در روسیه نیز قوانین جنگی خاص پس از شروع جنگ اوکراین وضع و جرائم ضدعرضه تشدید شده‌است. به عنوان مثال، قطعنامه‌های اخیر روسیه برخورد با سفته‌بازی، گرانفروشی یا انبارسازی عمده را در شرایط حالت فوق‌العاده به حبس‌های طولانی و مصادره اموال تهدید می‌کنند. در مجموع، این نمونه‌ها نشان می‌دهد که در هر نظامی، محتکران در شرایط بحرانی اقتصادی یا جنگ به عنوان مخل نظم عمومی یا متخاصم اقتصادی شناخته می‌شوند و مجازات‌های شدیدی در نظر گرفته شده‌است.